

## بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم (ROCI-II) در بین زوجین ایرانی

حمید حقیقی<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد مشاوره و کارشناس مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی اداره کل آموزش و پرورش  
استان هرمزگان

اقبال زارعی

دانشیار گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان

فواد قادری

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

پذیرش مقاله: ۹۱/۰۲/۲۶

دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۱۳

### چکیده

**هدف:** روش‌های حل تعارض زناشویی از متغیرهای بسیار مهم و محسوب می‌شوند که تاثیر به‌سزایی در رضایت زناشویی دارند. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم (ROCI-II) در بین زوجین ایرانی انجام شد.

**روش:** پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی است. نمونه پژوهش شامل ۳۰۰ نفر از فرهنگیان متاهل شهر بندر عباس بود، که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش، دو پرسشنامه حل تعارض ROCI-II و حل تعارض CRQ بود. از آزمون آلفای کرونباخ و روش تصنیف برای بررسی پایایی ابزار و از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی برای بررسی اعتبار سازه این ابزار استفاده شد.

**یافته‌ها:** پایایی پرسشنامه ROCI-II، با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه در دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ به‌دست آمد. هم‌چنین پایایی ابزار با استفاده از روش تصنیف ۰/۶۸ بود. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که پرسشنامه ROCI-II، از پنج عامل، یکپارچگی، ملزم شده، اجتنابی، مسلط و مصالحه تشکیل شده است، که در مجموع این عوامل ۷۰/۸۱ درصد واریانس کل را تبیین می‌نمایند.

<sup>۱</sup> آدرس نویسنده مسئول: مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان

جدول بارهای عاملی چرخش یافته نشان داد که همه ماده‌های پرسشنامه دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۵۰ می‌باشند. نتایج حاصل از تحلیل عامل تأییدی نشان داد مدل پنج عاملی پرسشنامه ROCI-II، از برازش مطلوبی برخوردار است. مقادیر شاخص‌های برازندگی در حد قابل قبولی قرار داشتند. وجود همبستگی مثبت و منفی بین خرده مقیاس‌های این ابزار با پرسشنامه CRQ، نشان دهنده‌ی روایی همگرا و واگرایی مطلوب پرسشنامه ROCI-II، است.

**نتایج:** به نظر می‌رسد، پرسشنامه ROCI-II، توان لازم را برای سنجش سبک‌های حل تعارض زناشویی را در بین زوجین ایرانی داراست. از این پرسشنامه می‌توان از آن برای مقاصد مشاوره‌ای و پژوهشی در زمینه مسائل زناشویی، زوج درمانی و روابط بین فردی نزدیک و صمیمی استفاده کرد.

**کلید واژه‌ها:** پرسشنامه سبک‌های حل تعارض، زوجین ایرانی، ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی.

Archive of SID

## مقدمه

مطالعات مربوط به رفتار انسانی نشان می‌دهد که تعارض جزئی گریزناپذیر از روابط انسانی است. هر فردی روش یگانه‌ای برای مقابله با تعارض دارد. اهتمام به درک سبک و انگیزه‌های خود، به علاوه سبک و انگیزه‌های همسر، کمک شایانی به حل سازنده تعارض خواهد کرد. اگر رابطه زناشویی بخواهد به صورت پویا ادامه یابد، اختلاف نظرها باید به شیوه‌ای درست حل شود. گرچه ممکن است تعارض از نظر آماری طبیعی باشد، اما از یکسو نباید منجر به خشونت کلامی و جسمانی شود و از سوی دیگر نباید آن را سرکوب کرد. اگر همسران روش سازنده‌ای را برای مقابله با تعارض، به کار نگیرند، ممکن است به تدریج از یکدیگر جدا شوند. سناریوی طلاق، یک معرکه ناگهانی نیست، بلکه فقدان تدریجی صمیمیت و نزدیکی است. به‌طور خلاصه ترس از تعارض و احساسات همراه آن می‌تواند منجر به عدم درگیری در مسایل و در نهایت ابتدا طلاق هیجانی و سپس طلاق قانونی رخ می‌دهد (شیری، ۱۳۸۷). اگرچه ممکن است تعارض با احساسات منفی مرتبط باشد و تحت برخی از شرایط به عنوان یک تهدید بالقوه به محسوب شود. نکته مهم این است تعارض به عنوان یک فرصت برای ارتقای صمیمیت و بهبود روابط به شمار می‌آید. همچنین عدم توافق ممکن است شانس یادگیری را در اختیار زوجین قرار دهد که از راهبردهای سازنده حل تعارض برای سازگاری با نیازهای یکدیگر بهره گیرند (بارت، ۲۰۰۴). روش حل تعارض به چند دلیل مهم است: اول این که این روش تعامل مؤثر بین زن و شوهر را تسهیل می‌کند. دوم این که احتمال دارد که رابطه بین زوجین بر اثر درمان در حال بهبود باشد باز تقابل منفی به ویژه در موقعیت‌های تعارض آمیز و مشکل‌زا روی می‌دهد که به‌کارگیری روش حل مشکل مانع از آن می‌شود. سوم این که بین زوج‌های درمانده و غیردرمانده از نظر شیوه حل مشکل تفاوت قابل توجهی وجود دارد و زوجین درمانده فاقد مهارت‌های لازم برای حل مسالمت‌آمیز مشکلات خود هستند و آموزش و یادگیری این روش برای زوجین ضروری است. چهارم این که به‌طور قطع تعارض و مشکل فعلی زن و شوهر مشکل آخرشان نیست و در آینده نیز مشکلاتی بروز خواهد کرد. (احمدی، ۱۳۸۶). پنجم رابطه بسیار قوی بین سبک‌های سازنده حل تعارض و رضایت زناشویی وجود دارد (حقیقی، ۱۳۸۹؛ هارکس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰؛ گاتمن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴؛ کردک<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵؛ هنگ لیم<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰؛ رحیم، کافمن و پسینیکا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴).

1 - Barret

2 - Horroks

3 - Gottman

4 - Kurdek

5 - Hong Lim

6 - Rahim, Kaufman, and Psennica

به عقیده برخی از محققان حل تعارض، به انواع راهبردهای مدیریت تعارض اطلاق می‌شود که شخص تمایل دارد در وضعیت تعارضی از آن‌ها استفاده کند (رحیم، ۱۹۸۳؛ تینگ تامی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). نکته حائز اهمیت این است که در اغلب پژوهش‌های انجام شده دو مفهوم مدیریت کردن تعارض<sup>۲</sup> و حل تعارض<sup>۳</sup> یکسان در نظر گرفته شده‌اند. (موریتا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ رحیم، کافمن و پسینیکا، ۲۰۰۴؛ رحیم، ۱۹۸۳؛ گودوین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰؛ هن اینگ، ۲۰۰۳؛ باولز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸).

مدل نگرانی دو جانبه حل تعارض<sup>۷</sup>: به لک و موتون<sup>۸</sup> (۱۹۶۴)، اولین بار اقدام به مفهوم سازی برای طبقه‌بندی سبک‌های حل تعارض بین فردی نمودند. طبقه‌بندی آنان به منظور شناسایی شیوه‌های حل تعارض درون سازمانی بود. آن‌ها شیوه‌های برخورد با تعارض را به پنج سبک طبقه بندی نمودند که عبارتند از: حل مسأله<sup>۹</sup>، انعطاف پذیری<sup>۱۰</sup>، اجبار سازی<sup>۱۱</sup>، کناره‌گیری<sup>۱۲</sup> و سهیم شدن<sup>۱۳</sup>، (رحیم، ۱۹۸۳). مدل آن‌ها توسط توماس<sup>۱۴</sup> (۱۹۷۶)، مجدداً مورد تفسیر قرار گرفت (رحیم، ۱۹۸۳). توماس، مدل معرفی شده توسط به لک و موتون را به سایر ابعاد تعارض بین فردی و فراتر از تعارضات درون سازمانی بسط داد. در پژوهش‌های بعدی مشابه مفهوم به لک، موتون و توماس سبک‌های روبرو شدن با تعارض بین فردی در دو بعد اساسی، نگرانی نسبت به خود<sup>۱۵</sup> و نگرانی نسبت به دیگران<sup>۱۶</sup> مورد بررسی قرار گرفت. اولین بعد، درجه‌ایی (بالا یا پایین) که یک شخص کوشش می‌کند تا نگرانی‌های خود را برآورده کند، توضیح می‌دهد. دومین بعد درجه‌ایی (بالا یا پایین) را که یک شخص کوشش می‌کند تا نگرانی‌های دیگران را

1 - Ting-Tomey, and et al

2 - Conflict management

3 - Conflict resolution

4 - Morita

5 - Goodwin

6 - Bowles

7 - Dual concern Model of conflict Resolution

8 - Blake and Mouton

9 - Problem- solving

10 - Smoothing

11 - Forcing

12 -Withdrawal

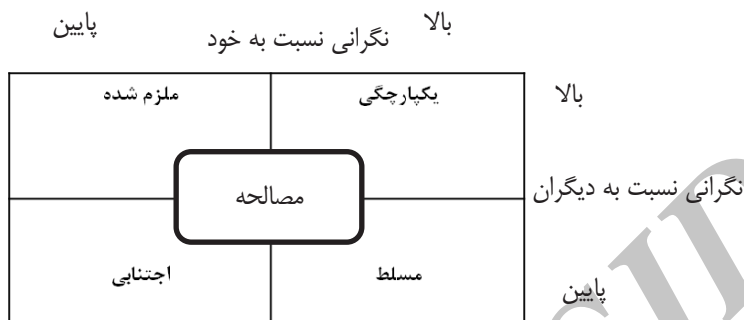
13 - Sharing

14 - Thomas

15 - Concern for self

16 - Concern for other

برآورده کند، توضیح می‌دهد. (هن‌اینگ، ۲۰۰۳؛ سارنسن، مورز و سویج<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). ترکیب این دو بعد که منتج به پنج سبک حل تعارض بین فردی می‌شود، که در شکل ۱- ارائه شده است.



شکل ۱- سبک‌های حل تعارض بین فردی

با توجه به شکل ۱- رحیم (۱۹۸۳)، سبک‌های حل تعارض را به پنج سبک تقسیم می‌کند. که نگرانی نسبت به خود و نگرانی نسبت به دیگران در هنگام حل تعارض اساس این تقسیم‌بندی است. و همین تقسیم‌بندی اساس ساخت پرسشنامه<sup>۲</sup> ROCI-II، قرار گرفت. این سبک‌ها عبارتند از: سبک یکپارچگی<sup>۳</sup>: مستلزم اهمیت دادن زیاد به نگرانی‌های خود و نگرانی‌های دیگران است. این سبک مستلزم تشریک مساعی بین دو طرف است، مثل گشودگی، مبادله اطلاعات، بررسی تفاوت‌ها و یافتن راه‌حل قابل قبول برای هر دو طرف می‌باشد. افراد در استفاده از این سبک هم به مشارکت<sup>۴</sup> و هم هم به ابراز وجود<sup>۵</sup> می‌پردازند. بنابراین تعارض با توجه تفاوت‌ها و جستجوی راه‌حل‌های جدید به صورت سازنده رفع می‌شود. در نهایت یک وضعیت برنده - برنده<sup>۶</sup> پیش می‌آید (گودوین، ۲۰۰۰). این سبک با حل مسأله مرتبط است (موریتا، ۲۰۰۳). باباپور (۱۳۸۵)، در پژوهش خود از این سبک تحت عنوان سبک همراهانه یاد می‌کند.

سبک ملزم شده (متعهد شده)<sup>۷</sup>: مستلزم اهمیت پایین به نگرانی‌های خود و اهمیت دادن بالا به نگرانی‌های دیگران است، تلاش برای کاستن تفاوت‌ها و تأکید کردن بر اشتراکات به منظور راضی

1 - Sorenson, Morse and Savage

2 - Rahim Organizational Conflict Inventory-II (ROCI-II)

3 - Integrating style

4 - Cooperative

5 - Assertive

6 - Win -Win

7 - Obligating style

کردن دیگران، همچنین از دیگر مشخصه‌های این سبک می‌توان به عدم ابراز وجود<sup>۱</sup> و مشارکت در حل تعارض اشاره نمود. در این سبک فرد توجه پایینی به وضعیت خود دارد. بنابراین تعارض به عنوان یک موقعیت بازنده-برنده<sup>۲</sup> دیده می‌شود. باباپور (۱۳۸۵)، در پژوهش خود از این سبک تحت عنوان سبک مهربان‌نانه یاد می‌کند.

سبک مسلط<sup>۳</sup>: به وسیله اهمیت دادن زیاد نگرانی‌های به خود و اهمیت دادن پایین به نگرانی‌های دیگران مشخص می‌شود. این سبک به عنوان یک سبک رقابتی شناخته شده است. در این سبک رفتار افراد تحمیل کننده است. در این سبک فرد تلاش می‌کند به اهدافش دست یابد، بدون این که برای دیگران اهمیتی قائل شود. افراد در استفاده از این سبک به وسیله مشارکت پایین و ابراز وجود شناخته می‌شوند. در این سبک یک وضعیت رقابتی برنده - بازنده<sup>۴</sup> پیش می‌آید.

سبک اجتنابی<sup>۵</sup>: با اهمیت دادن پایین نگرانی‌های به خود و دیگران مشخص می‌شود. معمولاً با کناره‌گیری توأم است، در این سبک مسؤولیت را به شخص دیگر واگذار می‌شود، دورماندن از تعارض، چشم پوشی از عدم توافق، خون سرد بودن و خنثی باقی ماندن از دیگر ویژگی‌های این سبک است. افراد در این سبک به عدم مشارکت و عدم ابراز وجود می‌پردازد. بنابراین یک وضعیت بازنده - بازنده<sup>۶</sup> به وجود می‌آید.

سبک مصالحه<sup>۷</sup>: همان‌طور که در شکل ۱- مشاهده می‌شود، در میان سایر سبک‌ها، سبک حل تعارض مصالحه از یک موضع میانه برخوردار است. با یک سطح متوسطی از اهمیت دادن به نگرانی‌های خود و دیگران مرتبط است. این سبک براساس یک استراتژی داد و ستد و براساس یک تصمیم‌گیری دوجانبه قابل قبول اتخاذ می‌شود و هنگامی که دو نفر از امتیازات مساوی برخوردار باشند از این سبک بهره می‌برند. این سبک مستلزم هم ابراز وجود و هم مشارکت است، اما در مقایسه با سبک یکپارچگی از شدت کمتری برخوردار است. بنابراین به این موقعیت به عنوان نه برنده - نه بازنده<sup>۸</sup> نگریسته می‌شود.

1 - Unassertive

2 - Lose -Win

3 - Dominating style

4 - Win - Lose

5 - Avoiding style

6 - Lose - Lose

7 - Compromising style

8 - No-win/No-lose

هیچ یک از سبک‌های حل تعارض به‌طور طبیعی بردیگری برتری ندارد (اولسون و اولسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). هریک در موقعیت‌های معین و نزد افراد مختلف دارای فواید و مضراتی است. به‌طور آشکار، هیچ راه ساده و سهلی جهت حل تعارض انسانی وجود ندارد. با هر موقعیت باید با رویکردی محتاط و مآل‌اندیشانه، برخورد کرد. در حل تعارض باید به بسیاری از عوامل توجه کرد، که شامل شخصیت افراد درگیر، ارزش‌های بحث، وسطح سرمایه‌گذاری هر فرد برای تداوم رابطه می‌باشد (شیری، ۱۳۸۷). بنابراین بهترین روش حل تعارض روشی است که از جنبه‌های مخرب تعارض بکاهد و فرصت رشد، تعامل و همکاری را برای افراد فراهم آورد (کونلی، ۱۹۹۸). راهبردهای حل تعارض نه تنها به وسیله ویژگی‌های شخصیتی، بلکه به وسیله هنجارهای فرهنگی - اجتماعی و جنسیت نیز تعیین می‌شود (سودی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). به‌طور کلی سبک‌های حل تعارض در بین افراد همه جوامع و فرهنگ‌ها یکسان نیست بلکه در کنار آن باید به عواملی هم چون سن، جنسیت افراد، قومیت و شرایط فرهنگی - اجتماعی توجه کرد (مایتلو، بوتو، انور و مهار<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲؛ چنگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰؛ یو و مینگ چن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸؛ یین لیو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴؛ کای و فینک<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲؛ تینگ تامی، ۱۹۸۵؛ لی و راگان<sup>۸</sup>، ۱۹۹۱).

رحیم (۱۹۸۳)، در یک مطالعه جامع بروی یک نمونه ۱۲۱۹ نفری به تحلیل اعتبار و پایایی ROCI-II پرداخت. تحلیل عوامل، منعکس‌کننده پنج سبک حل تعارض بود. محاسبه ضرایب پایایی با استفاده از بازآزمایی و همسانی درونی برای پنج خرده‌مقیاس این پرسشنامه، رضایت بخش گزارش شد. در ادامه تحلیل‌های تفکیکی، شواهد تجربی را برای روایی این پرسشنامه فراهم آورد. در مطالعه دیگری که توسط رحیم و مگنر (۱۹۹۴) صورت گرفت همسانی درونی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه در دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۷۷ گزارش شد. رحیم و مگنر<sup>۹</sup> (۱۹۹۵) در پژوهشی بر روی یک نمونه ۱۴۷۴ نفری به بررسی ساختار عاملی پرسشنامه ROCI-II پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل عامل تائیدی، پنج عامل اصلی این مدل را مورد تائید قرار داد. همچنین نتایج نشان داد که این ابزار از روایی همگرا و افتراقی مطلوبی برخوردار است. همسانی درونی این ابزار با استفاده از

1 - Olson and Olson

2 - Su'udy

3 - Maitlo, Bhutto, Anwar, & Mahar

4 - Cheng

5 - Yu & Ming Chen

6 - Yin Liu

7 - Cai & Fink

8 - Lee & Rogan

9 - Magner

آلفای کرونباخ بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۵ گزارش شد. کینگ و میلز<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) در پژوهشی به بررسی خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه ROCI-II، پرداختند. پایایی این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۲ تا ۰/۷۷ گزارش شد. همچنین نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که ماده‌های پرسشنامه ۰/۸۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌نمایند.

باولز (۲۰۰۸) در پژوهشی به مقایسه دو پرسشنامه ارتباطی ROCI-II و FOCQ<sup>۲</sup> در میان دانشجویان پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که پرسشنامه FOCQ ساختار رضایت بخشی برای تحلیل عامل تأییدی دارد. تحلیل‌ها نشان داد که چرخش عوامل ROCI-II بسیار ضعیف هستند و منعکس کننده تبیین نظری برای روابط بین متغیرها نیستند. همچنین نتایج نشان داد FOCQ از توانایی بیشتری برای متمایز ساختن تفاوت‌های فرهنگی و جنسیتی در حل تعارض برخوردار است. باولز (۲۰۰۸) در پژوهش خود مقادیر شاخص‌های CFI، ۰/۸۷، GFI، ۰/۹۱، TLI، ۰/۸۴ و RAMSEA، ۰/۰۷ را گزارش نمود. که بیانگر برآزش ضعیف مدل پرسشنامه ROCI-II هستند. ون‌دی ولیرت و کابانف (۱۹۹۰)<sup>۳</sup> معتقدند که سبک مسلط در مقابل چهار سبک دیگر قرار دارد همچنین دو سبک یکپارچگی و مصالحه در مدل دووجهی (نگرانی دو جانبه) دارای ساختار مشابه هستند. و بیش‌ترین ارتباط را بایکدیگر دارند همچنین آنان اظهار داشتند که در بسیاری از پژوهش‌ها ارتباط نظری عوامل پنجگانه پرسشنامه ROCI-II رضایت بخش گزارش شد.

هن‌اینگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) در پژوهشی به ارزیابی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض (CRQ) پرداخت. در این پژوهش برای بررسی اعتبار ملاکی<sup>۵</sup> (به شیوه روایی همزمان) پرسشنامه (CRQ)، از پرسشنامه ROCI-II استفاده شد. که روایی ملاکی آن مورد تأیید قرار گرفت. بررسی همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ را عدد ۰/۸۷ را نشان برای ROCI-II داد. محاسبه همبستگی بین خردم مقیاس‌های دو پرسشنامه نشان داد که سبک یکپارچگی با خرده مقیاس‌های فضا و موقعیت، شفاف‌سازی، توجه به نیازها، ایجاد رابطه همکاری مثبت و قدرتمند، تمرکز بر آینده، ارائه گزینه‌های برای سود متقابل، بسط و ارائه کارهای شدنی و ملاحظه کاری بیش از حد، داری رابطه مثبت و معنی‌داری بود. سبک مسلط با خرده مقیاس‌های توجه به نیازها، ایجاد رابطه همکاری مثبت و قدرتمند، تمرکز بر آینده و ارائه گزینه‌های

1 - King, & Miles

2 - Focus of Communication Questionnaire

3 - van de Vliert, & Kabanoff

4 - Henning

5 - Criteria-related validity

6 - Concurrent validity



برای سود متقابل دارای رابطه منفی و معنی‌داری بود. سبک اجتنابی با خرده مقیاس‌های شفاف‌سازی، تمرکز بر آینده، ارائه گزینه‌های برای سود متقابل دارای و ملاحظه‌کاری بیش از حد دارای رابطه منفی و معنی‌داری بود. سبک مصالحه با خرده مقیاس‌های فضا و موقعیت، ایجاد رابطه همکاری مثبت و قدرتمند، تمرکز بر آینده و ارائه گزینه‌های برای سود متقابل و ملاحظه‌کاری بیش از حد دارای رابطه مثبت و معنی‌داری بود. سبک ملزم با خرده مقیاس فضا و موقعیت دارای رابطه مثبت و معنی‌داری بود.

هر چند که باید متذکر شد پرسشنامه‌های دیگری در زمینه حل تعارض به زبان فارسی وجود دارد از جمله مقیاس حل مشکل خانواده، احمدی (۱۳۸۶) که بیش‌تر مناسب زوجین متقاضی خدمات مشاوره‌ای است. پرسشنامه CRQ، نیز در زمینه حل تعارض به کار برده می‌شود این پرسشنامه ایده‌های ارتباطی مرتبط با وضعیت تعارضی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از دیگر اهداف CRQ، سنجش درک افراد از واقعیت و وضعیت تعارضی می‌باشد. زیاد بودن سوال‌ها (۴۱ سوال)، CRQ، و عدم بررسی شیوه‌هایی را که افراد به وضعیت تعارضی پاسخ می‌دهند از محدودیت‌های این پرسشنامه محسوب می‌شوند. کم بودن تعداد سوال‌های (۲۸ سوال)، ROCI-II، و ارزیابی پاسخ‌های افراد در وضعیت تعارضی و گستردگی کاربرد آن زمینه حل تعارض‌های بین فردی مثل خانواده، دوستان و همشیره‌ها از مزایای پرسشنامه ROCI-II، محسوب می‌شوند. استفاده از پرسشنامه ROCI-II، در سال‌های اخیر در کشورهای متعدد و در پژوهش‌های مربوط به حل تعارض روبه افزایش بوده است استفاده از آن به عنوان یک ابزار مهم در زمینه حل تعارض کاربرد فراوانی پیدا کرده است (ونگ و نصر، ۲۰۱۰). لذا کمبود چنین ابزاری به زبان فارسی با توجه به گستردگی کاربرد آن، پژوهشگران، پژوهش حاضر را به انجام این پژوهش رهنمون ساخت. در خصوص ضرورت این پژوهش باید خاطر نشان ساخت که با توجه به اهمیت، حل سازنده تعارضات زناشویی و رابطه آن ثابت و رضایت زناشویی، وجود ابزاری مناسب جهت شناسایی سبک‌های حل تعارض، بسیار ضروری است. از سوی دیگر در سال‌های اخیر تمرکز بیش‌تر پژوهش‌های انجام شده در زمینه حل تعارض در زمینه محیط‌های سازمانی بوده است و کم‌تر به مسائل زناشویی پرداخته شده است (هنگ‌لیم، ۲۰۰۰). هم‌چنین با توجه به شرایط فرهنگی جامعه ایران، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزارهای رایج در این حوزه و هماهنگ سازی و تطابق آن‌ها با شرایط فرهنگی جامعه می‌تواند کمک شایانی به پژوهش‌گران، درمان‌گران خانواده و زوجین در زمینه حل سازنده تعارضات زناشویی نماید.

به‌طور کلی دستیابی به آزمونی معتبر و قابل اطمینان که بتواند سبک‌های حل تعارض را در بین زوجین ایرانی نشان دهد، هدفی است که محققان در این پژوهش در پی یافتن به آن هستند.

1 - Wang & Nasr

## روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های تحلیل ماتریس همبستگی یا کواریانس است. از جمله پژوهش‌هایی که در آن‌ها ماتریس همبستگی یا کواریانس استفاده می‌شود، تحلیل عاملی و مدل معادلات ساختاری است. در تحلیل عاملی هدف تلخیص مجموعه‌ای از داده‌ها یا رسیدن به متغیرهای مکنون<sup>۱</sup> (سازه)<sup>۲</sup> است (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۵: ۹۱). جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه دبیران متاهل دبیرستان‌های (بدون احتساب مدیران و معاونین مدارس مقطع متوسطه) شهر بندرعباس بود که تعداد آنان برابر با ۱۲۵۰ نفر بود. که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. براساس جدول کرجسی و مورگان<sup>۳</sup> (۱۹۷۰)، حجم نمونه پژوهش ۲۹۷ نفر برآورد شد. در مرحله اول از بین دبیرستان دولتی، هنرستان‌های فنی و کاردانش و دبیرستان‌های غیر دولتی، دبیرستان دولتی به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله دوم، ۳۰ دبیرستان دخترانه و پسرانه از ناحیه ۱ و ۲۵ دبیرستان دخترانه و پسرانه از ناحیه ۲ انتخاب شدند. سپس با رجوع به مدارس وبا در نظر گرفتن افت آزمودنی‌ها و عدم عودت دادن پرسشنامه از طرف شرکت کنندگان، ۳۲۰ پرسشنامه بین آزمودنی‌ها توزیع گردید در نهایت ۳۱۲ پرسشنامه عودت داده شده به پژوهشگر، ۳۰ پرسشنامه‌ی آن، که به درستی تکمیل شده بودند انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفتند و ۱۲ پرسشنامه دیگر به دلیل ناقص بودن از تحلیل خارج شدند.

**ابزار: ۱-** پرسشنامه سبک‌های حل تعارض ROCI-II: پرسشنامه ROCI-II توسط رحیم (۱۹۸۳) برای اندازه‌گیری سبک‌های حل تعارض ساخته شد. پرسشنامه سبک‌های حل تعارض ROCI-II مکانیزمی برای اندازه‌گیری پنج شیوه‌ای است که افراد به تعارض پاسخ می‌دهند. پنج سبک حل تعارض شناسایی شده ریشه در کارهای به لک و موتون (۱۹۶۴) دارد. رحیم و بوتناما<sup>۴</sup> (۱۹۷۹) به صورت گسترده‌ای از این پرسشنامه استفاده کردند و آن‌ها این ابزار را در همه حوزه‌های پژوهش در حوزه علوم اجتماعی معتبر دانسته‌اند (هن‌اینگ، ۲۰۰۳). پرسشنامه ROCI-II، دارای سه نسخه A, B, و C است که نسخه A دارای ۳۵ ماده و نسخه دوم و سوم دارای ۲۸ ماده و پنج خرده مقیاس می‌باشد که هر خرده مقیاس یک سبک حل تعارض بین فردی را نشان می‌دهد. پنج سبک حل تعارض عبارتند از: سبک یکپارچگی (دارای ۷ عبارت)، سبک مسلط (دارای ۵ عبارت)، سبک ملزم شده (دارای ۶ عبارت)، سبک اجتناب کننده (دارای ۶ عبارت)، سبک مصالحه (دارای ۴ عبارت) می‌باشد. در این پژوهش، از نسخه B، ۲۸ ماده‌ای استفاده شد. این ابزار برای بررسی تعارض در سازمان‌های مالی طراحی شد، مطالعات نشان

1 - Latent variables

2 - Construct

3 - Krejcie & Morgan

4 - Rahim & Bonoma

داد که این ابزار را می‌توان در سایر زمینه‌های حل تعارض بین فردی مثل خانواده، دوستان و همسیره‌ها به کار گرفت (هاموک و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰؛ هنگ لیم<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ باباپور، ۱۳۸۵؛ حقیقی، ۱۳۸۹).

ماده‌های این مقیاس به شکل لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. مقیاس لیکرت در برگزیده عبارات کاملاً مخالفم (نمره ۱)، مخالفم (نمره ۲)، نظری ندارم (نمره ۳)، موافقم (نمره ۴) و کاملاً مخالفم (نمره ۵) می‌باشد. هر یک از ماده‌ها می‌تواند نمره‌ایی از ۱ تا ۵ کسب کند. و سپس با توجه به تعداد ماده‌های هر زیر مقیاس، نمره کلی آن زیر مقیاس به دست می‌آید. حداقل و حداکثر نمره هر زیر مقیاس نیز با توجه به تعداد ماده‌های آن از ۱ تا ۵ خواهد بود. بر این اساس، زیر مقیاس یکپارچگی با داشتن ۷ ماده، نمره‌ایی با حداقل ۷ و حداکثر ۳۵ خواهد داشت. نمره نهایی این زیر مقیاس (نمره ۳۵) بر تعداد سئوالات آن تقسیم می‌شود و نمره به دست آمده برابر با ۵ خواهد بود. نمره هر زیر مقیاسی که بیش‌تر باشد نشان‌دهنده این است فرد از آن از سبک برای حل تعارض خود استفاده می‌کند (باباپور، ۱۳۸۵).

۲- پرسشنامه حل تعارض CRQ: پرسشنامه حل تعارض CRQ، توسط ویکز<sup>۴</sup> (۱۹۹۴) و فیشر و اوری<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) ساخته شد. این پرسشنامه به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری ایده‌های حل تعارض و توانایی شخص در خلق و ارائه راه حل‌های برنده - برنده و سودمند به حال طرفین تعارض ساخته شد. عبارات این پرسشنامه ادراک و برداشت پاسخ‌دهندگان را بر مبنای این که معمولاً چگونه در رفتارهای خاص مرتبط با تعارض وارد می‌شوند و میزان آگاهی آن‌ها را از موضوع تعارض می‌سنجد. پرسشنامه CRQ، به عنوان وسیله‌ای برای ارتقاء و بهبود درک افراد از تعارض، طراحی و به عنوان ابزاری آموزشی مورد استفاده قرار گرفته است (علیرضایی، ۱۳۸۸). این پرسشنامه از ۱۰ خرده مقیاس تشکیل شده است. که خرده مقیاس‌های آن عبارتند از ۱- تعارض را امری طبیعی می‌داند (عبارات ۱ تا ۴). ۲- فضا و موقعیت (عبارات ۵ تا ۸). ۳- شفاف سازی دریافت و برداشت‌ها (عبارات ۹ تا ۱۲). ۴- توجه به نیازها به جای خواسته‌ها (عبارات ۱۳ تا ۱۶). ۵- ایجاد رابطه همکاری مثبت و قدرتمند (عبارات ۱۷ تا ۲۰). ۶- تمرکز بر آینده با یادگیری از گذشته‌ها (عبارات ۲۱ تا ۲۴). ۷- ارائه گزینه‌هایی برای سود متقابل (عبارات ۲۵ تا ۲۸). ۸- بسط و ارائه کارهای شدنی، هدف گذاری گام به گام تا عمل (عبارات ۲۹ تا ۳۲). ۹- ایجاد

1 - Hammock et al

2 - Hammock et al

3 - Hong Lim

4 - Weeks

5 - Fisher & Ury

توافق‌های مبتنی بر سود متقابل ( عبارات ۳۳ تا ۳۶). ۱۰- ملاحظه کاری و مراعات بیش از حد ( عبارات ۳۷ تا ۴۰).

نمرات عبارات ۱، ۳، ۱۳، ۱۸، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند و بقیه عبارات به همان ترتیب باقی می‌مانند نمرات هر زیر مقیاس را جمع کرده و سپس آن را نمرات سایر خرده مقیاس جمع می‌شوند و نمره کل به دست می‌آید (علیرضایی، ۱۳۸۸). هن‌اینگ (۲۰۰۳) ضرایب پایایی این ابزار را با استفاده از روش تصنیف ۰/۶۹ و با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۷ به دست آورد.

### نتایج

#### جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی نمونه پژوهش برحسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۵۰	۵۰
زن	۱۵۰	۵۰
مجموع	۳۰۰	۱۰۰

#### جدول ۲. مشخصات جمعیت شناختی نمونه پژوهش برحسب مدت زناشویی

مدت زناشویی	فراوانی	درصد
۱ تا ۵ سال	۶۸	۲۲/۷
۶ تا ۱۰ سال	۶۹	۲۳
۱۱ تا ۱۵ سال	۴۵	۱۵
۱۶ تا ۲۰ سال	۴۶	۱۵/۳
۲۱ تا ۲۵ سال	۴۷	۱۵/۷
۲۶ تا ۳۰ سال	۲۵	۸/۳
مجموع	۳۰۰	۱۰۰

**جدول ۳. مقادیر اعتبار تصنیفی، بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن بروان پرسشنامه ROCI-II**

ضریب همبستگی	تعداد پرسش	پرسشنامه
۰/۷۲	۱۴	نیمه اول
۰/۶۷	۱۴	نیمه دوم
۰/۶۸	۲۸	کل

در این پژوهش با استفاده از شاخص ضریب همبستگی اسپیرمن بروان مقدار ضریب اعتبار تصنیفی برای کل مقیاس ۰/۶۸ و برای نیمه اول ۰/۷۲ و برای نیمه دوم ۰/۶۷ برآورد شده است. نتایج موجود در جدول ۱ نشان می‌دهد که کل ۲۸ پرسش این ابزار به دو نیمه ۱۴ پرسشی تقسیم شده و ضریب همبستگی دو نیمه این پرسشنامه، ۰/۶۸ برآورد شده است.

**جدول ۴. تعداد پرسش و میزان همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای هر عامل و کل پرسشنامه ROCI-II**

میزان آلفای کرونباخ	تعداد پرسش	عامل
۰/۷۱	۷	یکپارچگی
۰/۷۰	۶	ملزم شده
۰/۷۰	۵	مسلط
۰/۷۲	۶	اجتنابی
۰/۷۵	۴	مصالحه

برای برآورد همسانی درونی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم ROCI-II، از آلفای کرونباخ استفاده شده و براساس نتایج جدول ۴ محاسبه همسانی درونی برای خرد مقیاس‌های سبک یک‌پارچگی ۰/۷۱، سبک ملزم شده ۰/۷۰، مسلط ۰/۷۰، اجتنابی ۰/۷۲، و سبک مصالحه ۰/۷۵، به دست آمد.

### جدول ۵. نتایج اندازه‌های مربوط به KMO و آزمون کروییت بارتلت

KMO	۰/۸۵
آزمون کروییت بارتلت	۶۷/۶۸۸۶
درجه آزادی	۳۷۸
معناداری	۰/۰۰۱

در این پژوهش به منظور تحلیل عوامل پرسشنامه ROCI-II، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، آزمون اسکری و روش چرخش متعامد از نوع واریماکس، استفاده شده است. نهایتاً با استناد به معنادار بودن ( $P < ۰/۰۰۱$ ) آزمون کیزرماکلین ( $KMO = ۰/۸۵$ ) و کروییت بارتلت ( $X^2 = ۴۹۳۶/۶$ )، پنج عامل به دست آمد. مقدار KMO، از میزان قابل قبولی برخوردار است. نشان دهنده‌ی کفایت نمونه‌گیری مناسبی برای پژوهش حاضر است.

### جدول ۶. مجموع واریانس تبیین شده

عامل‌ها	مجموع مجذورات قبل از چرخش			مجموع مجذورات بعد از چرخش		
	درصد تراکمی	درصد واریانس	جمع کل	درصد تراکمی	درصد واریانس	جمع کل
۱	۲۱/۸۹	۲۱/۸۹	۶/۱۳	۱۸/۹۶	۱۸/۹۶	۵/۳۱
۲	۳۸/۸۰	۱۶/۹۱	۴/۷۳	۳۵/۲۲	۱۶/۲۵	۴/۵۵
۳	۵۲/۲۴	۱۳/۴۴	۳/۷۶	۵۰/۰۴	۱۴/۸۲	۴/۱۵
۴	۶۲/۹۲	۱۰/۶۸	۲/۹۹	۶۱/۵۶	۱۱/۵۱	۳/۲۲
۵	۷۰/۸۱	۷/۸۹	۲/۲۰	۷۰/۸۱	۹/۵۷	۲/۵۹

جدول فوق مجموع واریانس تبیین شده قبل و بعد از چرخش را نشان می‌دهد نتایج نشان داد پرسشنامه ROCI-II از پنج عامل تشکیل شده است. مقدار واریانس تبیین شده برای هریک از عوامل اول تا پنجم به ترتیب، ۱۸/۹۶، ۱۶/۲۵، ۱۴/۸۲، ۱۱/۵۱، ۹/۵۷، برآورد شده است. که در مجموع، ۷۰/۸۱ از واریانس کل را تبیین می‌کند.

جدول ۷. بارهای عاملی چرخش یافته ماده‌های پرسشنامه ROCI-II

سوال	گویه‌ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم
۱	تلاش می‌کنم برای یافتن راه حل قابل قبول برای هر دوی ما، مساله را با همسرم مورد بررسی قرار دهم.	۰/۷۴				
۶	تلاش می‌کنم عقایدیم را با آن دسته از عقاید همسرم که منجر به یک تصمیم مشترک می‌شود ترکیب کنم.	۰/۹۱				
۷	من با همسرم برای رسیدن به تصمیم‌هایی که برای هر دوی ما رضایت بخش باشد همکاری می‌کنم.	۰/۸۸				
۱۷	سعی می‌کنم با همسرم همکاری کنم تا به راه حلی برسیم که انتظارات هر دوی ما را برآورده کند.	۰/۸۸				
۱۸	برای حل مسائلمان به تبادل دقیق اطلاعات با همسرم می‌پردازم.	۰/۸۲				
۲۴	برای آنکه مساله مورد نظر به بهترین وجه حل شود سعی می‌کنم تمام مسائل مربوطه را صریحاً بیان کنم.	۰/۸۹				
۲۶	تلاش می‌کنم برای فهم صحیح مشکل با همسرم همکاری کنم.	۰/۸۸				
۳	تلاش می‌کنم از تبدلات کلامی ناخوشایند با همسرم جلوگیری کنم.	۰/۷۴				
۴	معمولاً از بحث‌های آشکار و علنی در باره‌ی تفاوت‌هایم با همسرم اجتناب می‌کنم.	۰/۸۷				
۱۱	کوشش می‌کنم از قرار گرفتن در یک موقعیت دشوار اجتناب کنم، و تلاش می‌کنم	۰/۹۵				

سبک تک‌پارچه

سبک اجتنابی

	تا مشکل را پیش خودم نگه دارم.	
۰/۸۹	تلاش می‌کنم از مخالفت با همسرم اجتناب کنم.	۱۳
۰/۹۲	کوشش می‌کنم به منظور اجتناب از احساسات ناخوشایند عدم توافق بین خودم و همسرم را پیش خود نگه دارم.	۱۴
۰/۷۴	تلاش می‌کنم از رویارویی (رو در رو شدن) با همسرم اجتناب کنم.	۲۲
۰/۹۶	از اقتدار خودم استفاده می‌کنم تا تصمیمی گرفته شود که به نفع من باشد.	۱۰
۰/۸۳	گاهی اوقات برای برنده شدن در یک وضعیت رقابتی (با همسرم) از قدرتم استفاده می‌کنم.	۱۲
۰/۸۹	از مهارت خود استفاده می‌کنم تا تصمیمی گرفته شود که دلخواه من باشد.	۱۵
۰/۸۹	از نفوذم استفاده می‌کنم تا عقابدم پذیرفته شوند.	۲۰
۰/۹۲	عموماً در پیگیری موضوعات جزئی جدی هستم..	۲۳
۰/۹۳	معمولاً یک موضع میانه را برای شکستن بن بست (مشکلات) پیشنهاد می‌کنم.	۹
۰/۸۸	با همسرم مذاکره می‌کنم به طوری که بتوانم به یک مصالحه دست یافتم.	۱۹
۰/۸۹	از روش انعطاف (بده بستان) استفاده می‌کنم به طوری که بتوانم به یک مصالحه دست یافتم.	۲۱
۰/۸۱	تلاش می‌کنم یک روش متعادل (ی) برای رفع مشکل پیدا کنم.	۲۷
۰/۵۱	به طور کلی تلاش می‌کنم تا نیازهای	۵

سبک مسلط

سبک مصالحه

۳



۰/۸۷	همسرم را بر آورده کنم. معمولاً خود را ملزم می‌دانم به دنبال تغییراتی که در رفتار همسرم به وجود می‌آید از آن پیروی کنم.	۲
۰/۶۶	من اغلب با پیشنهادات همسرم همراه (به خوبی کنار می‌آیم) می‌شوم.	۸
۰/۷۳	معمولاً با خواسته‌های همسرم سازگار می‌شوم.	۱۶
۰/۵۷	تلاش می‌کنم انتظارات همسرم را برآورده کنم.	۲۵
۰/۸۹	تسلیم آرزوهای همسرم می‌شوم.	۲۸

جدول فوق بارهای عاملی چرخش یافته هریک از ماده‌های پرسشنامه ROCII-I را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر بار عاملی که برای هر ماده در نظر گرفته شده بود ۰/۵۰ بود و چنانچه بار عاملی ماده‌ای از ۰/۵۰ کمتر باشد از مجموع ماده‌های پرسشنامه حذف می‌شد. همان‌طور که مشاهده می‌شود. همه‌ی ماده‌های پرسشنامه بار عاملی بالای ۰/۵۰ دارند. و نیازی به حذف ماده‌ای از پرسشنامه وجود نداشت.

### جدول ۸. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین خرده مقیاس‌های ROCI-II، در پژوهش حاضر

خرده مقیاس‌ها	یکپارچگی	ملزم شده	مسلط	اجتنابی	مصالحه
یکپارچگی	-	۰/۲۸**	-۰/۰۷	۰/۱۸**	۰/۵۴**
ملزم شده	-	-	-۰/۲۴**	۰/۲۹**	۰/۲۱**
مسلط	-	-	-	۰/۲۰**	-۰/۲۲**
اجتنابی	-	-	-	-	۰/۲۲**
مصالحه	-	-	-	-	-

P<0/05\*

P<0/01\*\*

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، همبستگی درونی نمرات خرده مقیاس‌های پرسشنامه ROI-II با یک‌دیگر ارائه شده است. تنها بین سبک یکپارچگی و سبک مسلط رابطه معنی‌داری وجود ندارد بین سایر سبک‌ها همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

### جدول ۹. شاخص‌های برازندگی مدل پنج عاملی پرسشنامه ROI-II

شاخص	برازندگی	$X^2$	Df	$X^2/df$	GFI	CFI	IFI	TLI	RAMSEA
مدل	مدل پنج عاملی	۶۷۲/۰۰۳	۳۴۰	۱/۹۷	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۰۵

در این پژوهش، تحلیل عامل تائیدی به روش بیشینه احتمال<sup>۱</sup> به کمک نرم‌افزار AMOS 18، انجام گرفت. از شاخص‌های  $X^2$  دو ( $X^2$ )، شاخص مجذور  $X^2/df$  دو بر درجه آزادی ( $X^2/df$ ) شاخص برازش نیکویی<sup>۲</sup> (GFI) شاخص برازندگی تطبیقی<sup>۳</sup> (CFI)، شاخص برازندگی فزاینده<sup>۴</sup> (IFI)، شاخص تارکر - لوئیس<sup>۵</sup> (TLI)، و جذر برآورد خطای تقریب<sup>۶</sup> (RAMSEA) استفاده شد. اگر مجذور  $X^2/df$  دو از لحاظ آماری معنادار نباشد، بر برازندگی مناسب الگو دلالت می‌کند، اما این شاخص در نمونه‌های بزرگ‌تر معمولاً معنادار است از این رو شاخص مناسبی برای برازندگی الگو تلقی نمی‌گردد (کوینتانا و ماکسول<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹). مقدار بزرگ‌تر از ۰/۹۰ برای شاخص‌های GFI, CFI, IFI (بیرن<sup>۸</sup>، ۱۹۹۴) و مقدار بزرگ‌تر از ۰/۹۵ شاخص TLI (هرینگتون<sup>۹</sup>، ۲۰۰۸) و مقدار کوچک‌تر از ۰/۰۶ برای شاخص RAMSEA (مک‌کلام، براون و سوگاوارا<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۶)، هم‌چنین اگر شاخص  $X^2/df$  کوچک‌تر از دو باشد نشان دهنده‌ی برازش مناسب مدل است (بدری گری، ۱۳۹۰). همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود مقدار محاسبه شده برای شاخص‌های GFI, CFI, IFI برابر ۰/۹۵ می‌باشد و مقدار شاخص TLI، برابر با

- 1 - Maximum Likelihood
- 2 - Goodness of Fit Index
- 3 - Comparative Fit Index
- 4 - Incremental fit Index
- 5 - Tucker - Lewis Index
- 6 - Root Mean Square Error of Approximation
- 7 - Quintana & Maxwell
- 8 - Byrne
- 9 - Harrington
- 10 - MacCallum, Brown & Sugawara

۰/۹۵ است از طرفی مقدار  $X^2/df$  برابر با ۱/۹۷ به دست آمد. هم‌چنین مقدار محاسبه شده برای شاخص RAMSEA، ۰/۰۵، به دست آمد که همگی نشان دهنده‌ی برازندگی مطلوب مدل مذکور می‌باشند. روایی همگرا

### جدول ۱۰. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین خرده مقیاس‌های ROCI-II، و CRQ در پژوهش حاضر

خرده مقیاس‌ها	یکپارچگی	ملزم شده	مسلط	اجتنابی	مصالحه
تعارض را امری طبیعی می‌داند	۰/۱۲	۰/۱۷*	۰/۲۲	۰/۰۹	۰/۴۶**
فضا و موقعیت	۰/۳۸**	۰/۴۹**	۰/۱۹**	۰/۱۱	۰/۱۶*
شفاف سازی	۰/۵۴**	۰/۴۴**	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۱۲
توجه به نیازها به جای خواسته‌ها	۰/۰۱	۰/۳۳**	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۰۲
ایجاد رابطه همکاری مثبت	۰/۲۱**	۰/۱۴*	۰/۵۶**	۰/۱۸**	۰/۱۱
تمرکز بر آینده	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۵۲**	۰/۱۶*	۰/۲۶**
ارائه گزینه‌هایی برای سود متقابل	۰/۴۹**	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۱۳	۰/۰۵
بسط و ارائه کارهای شدنی	۰/۴۶**	۰/۲۲**	۰/۰۱	۰/۲۰**	۰/۰۷
ایجاد توافق مبتنی بر سود متقابل	۰/۲۴**	۰/۲۲**	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۳۷**
ملاحظه کاری بیش از حد	۰/۳۶**	۰/۳۹**	۰/۲۰**	۰/۱۳	۰/۳۳**

$P < 0/01$ \*\*

$P < 0/05$ \*

در این پژوهش به منظور بررسی روایی همگرایی پرسشنامه ROCI-II، همبستگی خرده مقیاس‌های آن با خرده مقیاس‌های پرسشنامه CRQ محاسبه شد. که در جدول فوق نتایج آن نشان داده شده است. همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود سبک یکپارچگی با خرده مقیاس‌های فضا و موقعیت، شفاف سازی، ایجاد رابطه همکاری مثبت، ارائه گزینه‌هایی برای سود متقابل، بسط و ارائه کارهای شدنی، ایجاد توافق مبتنی بر سود متقابل و ملاحظه کاری بیش از حد در سطح آلفای ۰/۰۱ دارای رابطه معنی‌دار است. سبک ملزم شده با خرده مقیاس‌های فضا و موقعیت، شفاف سازی، توجه به نیازها و خواسته‌ها، بسط و ارائه کارهای شدنی، ایجاد توافق مبتنی بر سود متقابل و ملاحظه کاری بیش از حد در سطح آلفای ۰/۰۱ دارای رابطه معنی‌دار است. سبک مسلط با خرده مقیاس‌های تعارض را امری طبیعی می‌داند، فضا و موقعیت، ایجاد رابطه همکاری مثبت و تمرکز بر آینده و ملاحظه کاری بیش از حد

در سطح آلفای  $0/01$  دارای رابطه منفی معنی‌دار است. سبک اجتنابی با خرده مقیاس‌های ایجاد رابطه همکاری مثبت و بسط و ارائه کارهای شدنی در سطح آلفای  $0/01$  دارای رابطه معنی‌دار و با خرده مقیاس تمرکز بر آینده در سطح  $0/05$  دارای رابطه معنی‌دار است. سبک مصالحه با خرده مقیاس‌های تعارض را امری طبیعی می‌داند، تمرکز بر آینده و ملاحظه کاری بیش از حد در سطح آلفای  $0/01$  دارای رابطه معنی‌دار است.

## بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی پرسشنامه II-ROCI، در میان زوجین شهر بندرعباس بود. هنگامی که ابزاری از فرهنگی یا از زبانی به فرهنگ یا زبان دیگر برگردانده می‌شود، لازم است ویژگی‌های روان‌سنجی آن مورد بررسی قرار گیرد. نتایج حاصل از بررسی همسانی درونی پرسشنامه II-ROCI با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های آن در دامنه  $0/70$  تا  $0/75$  قرار دارد. این یافته مؤید این مطلب است که این ابزار دارای همسانی درونی مناسب است. این یافته با یافته‌های هن‌اینگ ( $2003$ ) همسو است. هن‌اینگ ( $2003$ ) در پژوهش خود پایایی این ابزار را با استفاده از آلفای کرونباخ  $0/87$  به دست آورد. رحیم و مگنر ( $1994$ ) در پژوهش خود پایایی خرده مقیاس‌های این ابزار را بین  $0/77$  تا  $0/72$  به دست آورد که با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است. هم‌چنین رحیم و مگنر ( $1994$ ) اعتبار تصنیفی این ابزار را بین  $0/73$  تا  $0/67$  به دست آورد در پژوهش حاضر نیز اعتبار تصنیفی این ابزار بین  $0/72$  تا  $0/67$  به دست آمد که بیانگر پایایی قابل قبول برای این ابزار است. بررسی روایی سازه این پرسشنامه ابتدا از طریق تحلیل عامل عامل اکتشافی و سپس از طریق تحلیل عامل تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، مدل پنج عاملی رحیم ( $1983$ ) را مورد تأیید قرار داد. نتایج حاصل از تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که مقدار  $KMO = 0/85$  می‌باشد که به لحاظ کفایت نمونه‌گیری در حد مطلوبی است. در ادامه نتایج نشان داد که عوامل پنجگانه حاصل از تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که ماده‌های پرسشنامه در مجموع،  $0/81$  از واریانس کل را تبیین می‌کنند. جدول بارهای عاملی چرخش یافته نشان داد که همه ماده‌های پرسشنامه دارای بار عاملی بیشتر از  $0/50$  می‌باشند. این یافته با یافته حقیقی ( $1389$ ) همسو است چرا که او در پژوهش خود به بررسی ساختار عاملی این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی پنج عامل مذکور را به دست داد این یافته با یافته‌ی کینک و میلز ( $1990$ ) همسو است چرا آنان در پژوهش خود دریافتند که مجموع ماده‌های پرسشنامه  $0/89$  درصد از واریانس کل را تبیین می‌نمایند. این یافته‌ها با یافته‌های باولز ( $2008$ ) ناهمخوان است. تحلیل‌های باولز ( $2009$ ) نشان داد که چرخش عوامل ROI-II بسیار ضعیف هستند و منعکس کننده تبیین نظری برای روابط بین متغیرها نیستند.

مقادیر شاخص‌های برازندگی  $X^2/df$ ,  $X^2$ , IFI, CFI, GFI, TLI, RAMSEA حاصل از تحلیل عامل تأییدی نشان داد که الگوی پنج عاملی با داده‌ها برازش قابل قبولی دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل پنج عاملی حل تعارض مطرح شده توسط رحیم (۱۹۸۳) در میان زوجین ایرانی از برازش مطلوبی برخوردار است. بدین ترتیب نتایج پژوهش حاضر تمایز بین سبک‌های حل تعارض (یکپارچگی، ملزم شده، اجتنابی، مسلط و مصالحه) که به وسیله رحیم مطرح شده بود را نشان داد. مدل نظری سبک‌های حل تعارض رحیم (۱۹۸۳) شامل راهبردهایی می‌شود که افراد در وضعیت تعارضی از آن‌ها استفاده می‌کنند. این راهبردها در دو بعد نگرانی نسبت به خود و نگرانی نسبت به دیگران را در بر می‌گیرد. این یافته با یافته‌های رحیم و مگنر (۱۹۹۵) همسو است. چرا که آنان در پژوهش خود، نتایج حاصل از تحلیل عامل تأییدی را مطلوب گزارش نمودند که پنج عامل این پرسشنامه را مورد تأیید قرار داد. این یافته با یافته‌های باولز (۲۰۰۸) ناهمخوان است در پژوهش باولز مقادیر شاخص‌های برازندگی حاکی از عدم برازش مناسب مدل پنج عاملی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم داشت. بنابراین روایی سازه این ابزار که از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت، مؤید الگوی نظری زیر ساز این ابزار است. به عبارت دیگر، همان‌گونه که رحیم (۱۹۸۳) و رحیم و مگنر (۱۹۹۵) فرض کردند، ساختار عاملی پرسشنامه ROCI-II، پنج عاملی است این عوامل شامل سبک‌های حل تعارض یکپارچگی، ملزم شده، مسلط، اجتنابی و مصالحه می‌شود.

یافته دیگر پژوهش حاضر پایین بودن همبستگی بین مؤلفه‌های پنج‌گانه (بجز سبک یکپارچگی با سبک مصالحه) است که نشان دهنده مستقل بودن آن‌ها از هم می‌باشد. این نتیجه برای تأیید چند عاملی بودن ابزارها ضروری است. یکی از تبیین‌هایی که در خصوص همبستگی بالای بین دو سبک یکپارچگی و مصالحه می‌توان ذکر کرد این است که براساس مدل نگرانی دوجانبه، دو سبک یکپارچگی و مصالحه از سبک‌های سازنده‌ی حل تعارض محسوب می‌شوند و به‌کارگیری هر دو سبک مستلزم تشریک مساعی است به عقیده ون‌دی ولبرت و کابانف، (۱۹۹۰) دو سبک یکپارچگی و مصالحه در مدل دو وجهی (نگرانی دو جانبه) دارای ساختار مشابه هستند. و بیشترین ارتباط را با یکدیگر دارند.

برای بررسی روایی همگرا و واگرایی پرسشنامه ROCI-II، از پرسشنامه CRQ، استفاده شد. در واقع ROCI-II، شیوه‌هایی را که افراد به وضعیت تعارضی پاسخ می‌دهند مورد ارزیابی قرار می‌دهد و CRQ، ایده‌های ارتباطی مرتبط با وضعیت تعارضی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بررسی رابطه سبک‌های حل تعارض (یکپارچگی، ملزم شده، اجتنابی، مسلط و مصالحه) با خرده مقیاس‌های ده‌گانه پرسشنامه

CRQ، نتایجی مشابه با یافته‌های پژوهش هن اینگ (۲۰۰۳) به دست داد. همبستگی مثبت و منفی بین خرده مقیاس‌های دو پرسشنامه ROCI-II و CRQ، نشان‌دهنده‌ی روایی همگرا و واگرایی پرسشنامه ROCI-II، به میزان مطلوب است.

هر چند پرسشنامه ROCI-II، برای محیط‌های سازمانی و اداری طراحی شده است اما در مجموع به نظر می‌رسد، پرسشنامه ROCI-II، توان لازم را برای سنجش سبک‌های حل تعارض زناشویی را در بین زوجین ایرانی داراست. این یافته با پژوهش حقیقی (۱۳۸۹) همسو است زیرا در پژوهش حقیقی مشخص گردید که این ابزار توان لازم را برای مشخص کردن سبک‌های حل تعارض در بین زوجین رضایتمند و دارای تعارض داراست. این یافته با یافته‌های هاموک و همکاران (۱۹۹۰) هنگ لیم (۲۰۰۰)، باباپور (۱۳۸۵)، همخوان است چرا که در پژوهش‌های مذکور نشان داده شده است پرسشنامه ROCI-II، در زمینه مسائلی همچون مسائل زناشویی، روابط صمیمی و نزدیک و روابط بین دوستان از اعتبار لازم برخوردار است.

ذکر این نکته لازم است که برخی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، تعمیم‌پذیری نتایج آن را محدود می‌کند. اول، نتایج مطالعه هم‌چون بسیاری از مطالعات دیگر به دلیل استفاده از ابزارهای خودگزارشی (به جای مطالعه رفتار واقعی) ممکن است مشارکت کنندگان را به استفاده از شیوه‌های کسب تأیید اجتماعی و اجتناب از بدنامی ناشی از بی‌کفایتی فردی ترغیب کند. دوم، در این پژوهش مسائل فرهنگی و قومی و تأثیرات فرهنگی مرتبط با سبک‌های حل تعارض در نمونه پژوهش نادیده گرفته شد. سوم، نمونه پژوهش شامل فرهنگیان متاهل شهرستان بندرعباس بود، افراد با سایر مشاغل و طبقات اجتماعی در نمونه پژوهش حضور نداشتند. چهارم کم بودن تعداد نمونه پژوهش (۳۰۰ نفر) که حداقل تعداد نمونه پژوهش با روش مدل معادلات ساختاری ۵۰۰ نفر می‌باشد.

در پایان، با در نظر گرفتن اهدافی که پرسشنامه ROCI-II، دنبال می‌کند، می‌توان گفت این پرسشنامه می‌تواند به صورت فردی یا گروهی در مواردی متعددی مانند یک ابزار تشخیصی در زمینه مشاوره خانواده و زوج درمانی مورد استفاده قرار گیرد. هم‌چنین از این ابزار می‌توان به عنوان یک ابزار غربالگری قبل از دواج بهره برد بدین صورت که در مشاوره‌های قبل از ازدواج با مشخص کردن سبک‌های حل تعارض افراد، به آنان شیوه‌ی صحیح حل تعارض را آموزش داد. از این ابزار می‌توان برای مقاصد پژوهشی در زمینه مسائل زناشویی، خانواده و روابط نزدیک بین افراد مختلف استفاده کرد.

## منابع

احمدی، خدابخش. (۱۳۸۶). ساخت و اعتبار مقدماتی مقیاس حل مشکل خانواده. فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۶(۲۴)، ۲۶-۷.

بابا پور خیرالدین، جلیل. (۱۳۸۵). بررسی رابطه شیوه‌های حل تعارض ارتباطی و سلامت روان شناختی دانشجویان. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، ۴، ۲۷-۴۶.

بدری گرگری، رحیم، عباس‌زاده، محمد، نصیری، محمد، حسینی اصل، مریم و علیزاده اقدام، فیروزه (۱۳۹۰). بررسی تحلیل عامل تأییدی و همسانی درونی مقیاس ارتباط و پیوستگی با طبیعت در دانشجویان. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۴۴، ۳۴-۱۹.

حقیقی، حمید. (۱۳۸۹). مقایسه سبک‌های حل تعارض زناشویی بین زوجین رضایتمند، زوجین دارای تعارض و زوجین در شرف طلاق در شهر بندرعباس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان.

سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگه.

شیری، زهره. (۱۳۸۷). مهارت حل تعارض (برای همسران). تهران: دفتر پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور.

علیرضایی، نرگس. (۱۳۸۸). پرسشنامه حل تعارض (CRQ). مرکز نشر آزمون یار پویا.

Black, R. R., & Mouton, J. S. (1964). *The Managerial grid*. Houston, Texas: Gulf Publishing.

Barrett, L. F. (2004). *Conflict in Adult Close Relationships: An Attachment Perspective*. New York: Guilford Press.

- Bowles, T. (2009). A Comparison of Two Measures Communication and the Communication Style of University Student. *Electronic Journal of Applied Psychology: General Articles*, 5(1): 53-66.
- Byrne, B. M. (1994). Testing for the factorial validity, replication, and invariance of a measuring instrument: A paradigmatic application based on the Maslach Burnout Inventory. *Multivariate Behavioral Research*, 29, 289-311.
- Cheng, C.C. (2010). A study of inter-cultural marital conflict and satisfaction in Taiwan, *International Journal of Intercultural Relations*. Available online at: [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com).
- Cai, D.A., & Fink, E.L. (2002). Conflict style differences between individualists and collectivists. *Communication Monographs*, 69, 67-87.
- Connelly, L. R. (1998). Conflict management styles of selected group of Pennsylvania superintendents and their board presidents' perceptions of their conflict management styles. *Doctoral Dissertation, Youngston State University*.
- Hammock, G. S., Richardson, D. R., Pilkington, C. J., & Ufey, M. (1990). Measurement of conflict in social relationships. *Personality and Individual Differences*, 11(6), 577-583.
- Hatfield, D, W (1988). Assessing The Rahim Organizational Conflict Inventory-II (ROCI-II). *Journal Management Quarterly*, 1(3), 380-366. Available at: <http://mcq.sagepub.com/cgi/content/refs/1/3/350>.
- Henning, M. (2003). Evaluation of Conflict Resolution Questionnaire. Master Thesis, Auckland University of Technology.



Harrington, D. (2008). *Confirmatory Factor Analysis*. Oxford University Press.

Hong Lim, B, K. (2000). *Conflict resolution Styles, Somatization, and Marital Satisfaction in Chinese: The Moderating Effect of Forgiveness and Willingness to Seek Professional Help*. Doctoral Dissertation, Texas Tech University.

) .A ,M , Horrocks2010 .(Financial Management Practices and Conflict Management Styles of Couples in Great Marriages. Master Thesis. *Utah State University*. Available online at:<http://digitalcommons.usu.edu/etd/733>

Goodwin, L. (2000). *Resolving Auditor, Clint conflict, Concerning Financial statement Issues*, Department of commerce University of Queensland Australia, Available online at: <http://aaahq.org/audit/midyear/01midyear/papers/goodwin2001midyear.pdf>.

Gottman, J, M. (1994). *What predictors divorce?* Erlbaum: NJ, Hillsdale.

King, W. C. & Miles, E. W. (1990). *What we know – and don't know – about measuring conflict: An examination of the ROCI-II and the OCCI conflict instrument*. *Management Communication Quarterly*, 4, 222-243.

Kurdek, L, A. (1995). *Predicting change in Marital satisfaction from husbands and wives conflict resolution styles*. *Journal of Marriage and Family*, 57, p: 153-164.

Quintana, S. M., & Maxwell, S. E. (1999). *Implications of recent developments in structural equation modeling for counseling psychology*. *The Counseling Psychologist*, 27, 485-527.

- Rahim, A. (1983). A Measuer of Styles of Handling Interpersonal Conflict. *Academy of Management Journal*, 26(2). 368-376.
- Rahim, A., & Bonoma, T. V. (1979). Managing organizational conflict: A model for diagnosis and intervention. *Psychological Reports*, 44(1): 122-132.
- Rahim, A, Kaufman, S & Psennica, C. (2004). A Model of the style of Handling conflict, Marital satisfaction, and Instability. *Available online at: [http://papers.ssrn.com/sol3/Data\\_Integrity\\_Notice.cfm?abid=602765](http://papers.ssrn.com/sol3/Data_Integrity_Notice.cfm?abid=602765)*.
- Rahim, M. A., & Magner, N. R. (1994). Convergent and discriminant validity of the Rahim Organizational Conflict Inventory-II. *Psychological Reports*, 74, 35-38.
- Rahim, M. A., & Magner, N. R. (1995). Confirmatory factor analysis of the styles of handling interpersonal conflict: first-order factor model and its invariance across groups. *Journal of Applied Psychology*, 80, 122-132.
- Lee, H.O., & Rogan, R.G. (1991). Across-cultural comparison of organizational conflict Management behaviors. *International Journal of Conflict Management*, 2, 181-199.
- MacCallum, R. C., Brown, M. W., & Sugawara, H. M. (1996). Power analysis and determination of sample size for covariance structure modeling. *Psychological Methods*, 1, 130-149.
- Maitlo, Q, Bhutto, N,A, Anwar, N & Mahar, S. (2012). Conflict Management – Home versus work. *Interdisciplinary Jouonal of Contemporary Research in Business*, 3, 9, 712-720.
- Morita, H. (2003). Conflict Management Style of Americas and Japanese with close friendships: differences and Intriguing

Similarities. A Master thesis Hawaii University, available: <http://scholarspace.manoa-hawaii.edu>

Olson, D. & Olson-Sigg, A. (2000). Empowering Couples: Building on your Strengths. Minneapolis, MN: Life Innovations.

Sorenson, D, J., Morse, E, A & Savage, G, T. (1999). A test of the motivations underlying choice of conflict Strategies in the dual-concern model. *International Journal of Conflict Management*, 10(1): 25-44.

Su'udy, R. (2009). Conflict Management Styles of Americans and Indonesians: Exploring the Effects of Gender and Collectivism/Individualism. Submitted to for the degree of Master of Arts.

Thomas, K. W. (1976). Conflict and conflict management. In M. D. Dunnette (Ed.), Handbook of industrial and organizational psychology. Chicago: Rand-McNally.

Ting-Toomey, S. (1985). Toward a theory of conflict and culture. In W. B. Gudykunst, L.

Ting-Toomey, S., Yee-Jung, K.K., Shapiro, R.B., Garcia, W., Wright, R.J., & Oetzel, J.G. (2000a). Ethnic/cultural identity salience and conflict styles in four US ethnic groups. *International Journal of Intercultural Relations*, 24(1), 47-82.

van de Vliert, E. & Kabanoff, B. (1990). Toward Theory-Based Measures of Conflict Management. *The Academy of Management Journal*, 33, 199-209.

Wang, H & Nasr, Y, A. (2010). Task conflict handling style between colleagues with bad personal relationship: the effect of

relationship conflict on task conflict. Master thesis, of Sweden Umea University, School of Business.

Yin Liu, S. (2004). Conflict Resolution Preferences of Chinese and Caucasian -American students. *A Thesis Submitted to the Master of Arts, in communication, university of HAWAI'I.*

Yu, C., Ming chen, G. (2008). Intercultural Sensitivity and Conflict Management Styles in Cross-cultural Organization Situations. *Journal of Intercultural Communication Studies, XVII: 2, p: 149-161.*

Archive of SID